



وطن امروز



تیتراژهای امروز

تذکر رئیس مجلس به وزیر امور خارجه به خاطر توهین به نمایندگان

ظریف با متانت پاسخ دهد

لاریجانی برنامه دیدار معاون صدراعظم آلمان را لغو کرد



رئیس ستاد اجرایی فرمان امام (ره) نیروی انتظامی تأکید کرد

امنیت، رکن اساسی پیشرفت

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام (ره) با اشاره به سابقه یکصدساله صنعت نفت ایران:

زیبنده نیست دست نیاز به سوی خارجی‌ها دراز کنیم

سیف: آمریکا سنگ اندازی می‌کند

می‌توانند هواپیماها را پس بگیرند!

صفحه ۳

نگاه

واقفیت‌های میدانی یا فراواقفیت‌های بخشنامه‌ای!

علی‌اکبر عباسی

۱- «می‌خواهم یک نقد هم نسبت به دانشگاه کنم؛ البته شما باید نقد کنید اما من می‌خواهم بگویم چرا دانشگاه خاموش است؟ چرا یک عده بی‌سواد که از بخش‌هایی خاص پول می‌گیرند باید حرف بزنند اما بزرگان، دانشگاهیان و اساتید ما سکوت می‌کنند؟ چرا وقتی یک اتفاق بین‌المللی رخ می‌دهد، اساتید نامه خصوصی به رئیس‌جمهور می‌نویسند؟ چرا فراد نمی‌زنند؟ چرا وارد میدان نمی‌شوید؟» اینها قسمتی از سخنان رئیس‌جمهور است که بهمن ۹۲ در اعتراض به اینکه چرا اساتید دانشگاه‌ها از مذاکرات هسته‌ای و توافق دولت یازدهم با غرب حمایت نمی‌کنند، بیان شد. هر چند آقای روحانی تلاش می‌کرد چهره‌ای آکادمیک از خود به نمایش بگذارد و اینگونه القا کند که رویکرد دولتش مورد حمایت دانشگاهیان است اما رویه دولت در سیاست خارجی و آرایشی که در مذاکرات هسته‌ای اتخاذ کرد، به شکلی بود که نتنها اغلب اساتید دانشگاه که حتی آن دسته از اساتیدی هم که از نظر سیاسی جزو همفکران دولت یازدهم محسوب می‌شدند، حاضر نشدند از توافق دولت با غرب حمایت کنند. این حمایت نه تنها در جریان مذاکرات که حتی بعد از نهایه شدن توافق و اجرایی شدن برجام هم صورت نگرفت. در واقع میزان داده‌ها و ستانده‌ها در توافق دولت با طرف غربی به قدری نامتوازن بود که حتی دانشگاهیان همفکر دولت را هم قانع نکرد که وجهه آکادمیک خود را در حمایت از آن هزینه کنند.

۲- «چرا بزرگان کشور، نویسندگان، روزنامه‌ها و صدواوسیمای واقفیت را به مردم نمی‌گویند؟» این نیز بخشی از سخنان رئیس‌جمهور است که این‌بار مهرماه سال ۹۵ و در شرایطی که ۸ ماه از اجرایی شدن برجام می‌گذرد و تنها ۸ ماه تا انتخابات دوازدهم ریاست‌جمهوری باقی‌مانده، آنها را بیان کرد. همان گونه که رئیس‌جمهور ۳ سال قبل دانشگاهیان را مورد حمله قهرانه داده بود که چرا از توافق و مذاکرات دولت حمایت نمی‌کنند، این‌بار روحانی تیغ نقد خود را به سمت رسانه‌ها برده که چرا- به‌زعم او- واقفیت‌ها را نمی‌گویند. رئیس‌جمهور محترم اگر حول همان سخنان ۳ سال قبل خود که خطاب به اساتید دانشگاه‌ها بیان کرده بود، بیشتر تامل می‌کرد و ریشه اینکه چرا حتی بعد از بیان آن سخنان...



دادستان تهران جزئیات تازه‌ای از پرونده آقای خاص را اعلام کرد

تخلف هزار میلیارد تومانی

صفحه ۲

غرب‌گرایان از تلگرام خسته شده‌اند!

دکتر زهرا طباطبائی

کمپین بین‌المللی حقوق بشر با مدیریت هادی قائمی از عناصر بهائی نایاک، بنیاد هیفوس وابسته به وزارت خارجه هلند، گروه اصل ۱۹ وابسته به وزارت خارجه کانادا و گوگل و سایر سازمان‌های فنوارانه امنیتی فعال در دانشگاه هاروارد، تورنتو و آکسفورد همخوانی دارد.

نفوذی‌های مطبع

بامزه اینجاست که براساس برخی مستندات به دست آمده، لابی نفوذی در حوزه ارتباطات و مدیریت سایبر، ارتباطات قابل تاملی با مدیران گروه‌های ضدایرانی دارد و در حوزه «شبکه‌سازی اجتماعی»، مهندسی اطلاعات و تخریب هدفمند اهداف سایبری نظام از همکاری با آنها بهره می‌برد. اما این نفوذی کماکان هر روز بر سر کار خود در ساختمان دولتی حاضر می‌شود؛ در چنین شرایطی می‌توان حدس زد پشت پرده طرح مقاومت در برابر فیلترینگ تلگرام در دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و اصرار بر مسدودسازی تلگرام و کوچ مخاطب به توییتر، کدام مدیران غربگرای شناخته‌شده هستند.

اما آنچه در میانه این جنگ سرد ارتباطی دشمن با ملت مهم است از دست رفتن مولفه‌های «حاکمیت خوب» جمهوری اسلامی ایران به واسطه اعمال سلیقه مکرر غربگرایان نفوذی است. این اقلیت با یک استراتژی چندمرحله‌ای تاکنون موفق شده‌اند حاکمیت ایران بر فضای مجازی را مبتنی بر قوانین نامشخص، غیرقابل اعتماد، پرهزینه و بی‌فایده جلوه دهند:

- ۱- تضعیف جدی ساختار شورایی فضای مجازی و خارج کردن این نهاد ملی از دور قانونگذاری و نظارت و تصمیم‌سازی
- ۲- ایجاد رقابت میان زیرساخت سایبری نوپای ملی با زیرساخت سایبری شکل گرفته آمریکا و دمییدن در این مسابقه نابرابر با تشویق مردم به انتخاب خدمات‌رسان برتر به جای توجه دادن جامعه به اهمیت «استقلال سایبری» مشابه رفتار ملی‌گرایانه کشورهای توسعه یافته
- ۳- تضعیف جدی شرکت‌های فناوری و ارائه‌دهنده خدمات بومی با هدف حفظ موقعیت‌ترت خدمات‌رسان‌های خارجی به واسطه پیروی از مولفه‌های «اقتصاد سیاسی» مبتنی بر باج‌دهی به شرکت‌های اروپایی و آمریکایی برای ترغیب آنها به حفظ موقعیت غربگرایان بومی
- ۴- برقراری کانال ارتباطی موثر با جریان دیپلماسی دیجیتال کاخ سفید و اجرای مرحله به مرحله دستورات خارجی با هدف تضمین پروژه «شغال سایبری ایران»

روزنه

اظهار نظر اخیر ابوالحسن فیروزآبادی، دبیر شورایعالی فضای مجازی پیرامون فیلترینگ «تلگرام» و رفع فیلتر «توییتر» موجی از واکنش‌ها را در چند روز اخیر در پی داشت. برخی کاربران بی‌ربط بودن جنس این ۲ شبکه را در پروسه «جایگزینی» به دبیر شورا متذکر شدند و برخی دیگر فیلتر یکی و رفع فیلتر دیگری را با طنز «سه‌میه‌ای بودن فیلترینگ» به سخره گرفتند. بخشی از فعالان حوزه فضای مجازی نیز خرید سهام توییتر توسط ولید بن طلال، شاهزاده ضدایرانی سعودی را یادآور شدند و از تصمیم عجیب دولت برای کمک به رشد قیمت سهام شبکه ارتباطی پادشاهی سعودی اظهار شگفتی کردند. اما فارغ از همه اعتراضات طنز و تخصصی، آنچه در این میان بیش از همه کاربران را آزار می‌دهد «سیاست سایبری دل‌خواهی» و حتی بعضاً برتری دادن نیت و اهداف حزبی و گروهی بر منافع ملی است.

ماشاالله به انگلیس!

۷ ماه قبل از این، دقیقاً ۵ روز پس از برگزاری دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و اعلام نتایج آن، علی جنئی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: انتخابات تهران همه را غافلگیر کرد و آنچه کسی باور نمی‌کرد، محقق شد. یکی از عوامل آن را می‌توان استفاده از فضای مجازی و رسانه‌های دیجیتال دانست و باید گفت کسی که بهتر از آن استفاده کرده نمره بیشتری برده است!

وی سپس با دفاع از فضای بی‌قانونی حاکم بر تبلیغات مجازی انتخابات که با عنوان «موج تخریب انگلیسی» در تاریخ سایبری ایران ثبت شد، از نقش دولت در تقویت غیرمستقیم این جریان پرده برداشت و گفت: تلاش‌های زیادی شد تا این شبکه‌ها را فیلتر کنند اما وزرای این دولت که عضو کمیته مصادیق مجرمانه هستند در مقابل آن مقاومت کردند. صحبت‌های غیرملی علی جنئی در شرایطی بیان شد که به‌رغم همه پیش‌بینی‌های دلسوزان نظام، دولت در برابر قانونمند شدن فضای تلگرام مقاومت کرد و حتی جلسات شورایی فضای مجازی برای دوام بی‌قانونی‌های ضدامنیتی به تعویق افتاد!

دقیقاً زمانی که جنئی از عملکرد حزبی خود و همکارانش در کمیته تعیین مصادیق دفاع می‌کرد، رهبر حکیم انقلاب، علما، مراجع و متخصصان رسماً نسبت به فضای تخریب سایبری پر حرجم انتخاباتی با همکاری و مدیریت مشترک کانون انگلیسی، معترض بودند. به همین دلیل بود که جهت‌گیری غیرملی وزیر ارشاد از سوی چپ و راست اعتراضات زیاد را برانگیخت، چرا که این شائبه را به وجود آورده بود که در شرایط قانونمند و به دور از تله‌های امنیتی رسانه‌ای، حامیان دولت قادر به زیست سالم و

تبلیغات بدون تخریب و دروغ‌گویی در فضای مجازی نیستند و غربگرایان برای موفقیت انتخاباتی حتماً باید از کمک کانون‌های فتنه‌گر انگلیسی بهره‌برند!

قانون قبیله!

از آن زمان که گذشت و متأسفانه باز هم شاهدیم برخی دولتی‌ها برخلاف مدیران همه کشورهای توسعه یافته، کماکان هم با رشد زیرساخت سایبری ملی مخالفتند و هم از زیرساخت بیگانه به شرط «بی‌قانونی تضمینی» حمایت می‌کنند! «تلگرام» به‌رغم عدم همکاری دولت با تلاش مضاعف مردم و بخشی از مدیران دلسوز جامعه، موقعیت بهتری از منظر «اشراف اطلاعاتی» یافته است. حضور پرشور جوانان حزب‌اللهی، اهداف سیاسی غربگرایان را در پرونده‌های مهمی همچون «شکل جدید قراردادهای نفتی»، «توافقات

پنهان سپارجمانی از جمله FATF» و ماجرای «حقوق‌های نجومی» به واسطه استفاده از این ابزار ارتباطی به عنوان بستر ایجاد «شفافیت اجتماعی و اقتصادی» به خطر انداخته است.

پس در زمان کوتاه باقی‌مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری چند مسیر برای تفوق حزبی در فضای ارتباطات آنلاین پیش روی مدیران اتاق فکر غربگرایان قرار دارد.

الف- عملیات روانی گسترده تخریبی با استفاده از تبدیل تلگرام به کلونی نیروهای غربگرا؛ این طرح به دلیل کهنسالی بخش قابل توجهی از حامیان جریان غربگرا، به‌رغم تلاش‌های انجام شده، شکست خورده است.

ب- مسدود کردن «تلگرام» و کوچاندن جامعه به سمت پیام‌رسانی جدید؛ نمی‌توان پیش‌بینی کرد پذیرش شبکه ارتباطی جدید توسط اقشار مردم در چه سطحی خواهد بود و به ابزار برتری کدام گروه تبدیل می‌شود. از طرفی با ژست «ضد فیلترینگ» غربگرایان نیز همخوانی ندارد.

پ- راهکار سوم جایگزینی زیست بوم ارتباطی فتح شده توسط رقیب با «کوسیتسم خودی» است. این همان طرحی است که غربگرایان از زبان دبیر شورایی فضای مجازی اعلام کرده‌اند اما مستندات حاکی از آن است که وی طراح پروژه نیست.

چرا توییتر؟

اکنون سوال مهم این است: توییتر چه خصوصیاتی دارد که به عنوان بستر جایگزین تلگرام در زمان کوتاه باقیمانده تا انتخابات ریاست جمهوری انتخاب شده است؟ «توییتر» مرکز توزیع سرفصل‌های مدیریت

یادداشت امروز

شیشه ماشینت را پایین بکش آقای مدیر!

رضا مشتاقی

۱- مایکل مور، مستندساز شهیر آمریکایی و برنده نخل طلای کن سال ۲۰۰۴ و اسکار بهترین مستند سال ۲۰۰۲، سال ۲۰۱۵ مستندی با عنوان «Where to Invade Next?» (بعد از این به کجا حمله کنیم؟) ساخت. مایکل مور در یک فانتزی طنزانه، به ستاد مشترک ارتش آمریکا می‌رود و به فرماندهان ارتش آمریکا می‌گوید: «جنگ‌های قبلی ما صرفاً شکست و جنگ‌های دیگری را برای‌مان به ارمغان آورده و به ساخته شدن هیولاهایی مانند داعش انجامیده است. آن مقداری هم که قول داده بودید نتوانستیم نفت عراق را به غارت ببریم. بایباید فرستادن نیروهای نظامی و پهپادهایی را که جشن‌های عروسی را بمباران می‌کنند برای مدتی متوقف کنیم و استراحتی به نیروهای نظامی‌مان بدهیم. به جای سرپازها، مرا به کشورهای دیگر بفرستید. من به دیگر کشورها حمله می‌کنم تا ببینم برای حل مشکلات‌شان چه کار کرده‌اند و راه‌های‌شان را برای خودمان می‌آورم، چراکه ما مشکلاتی داریم که هیچ ارتشی قادر به حل‌شان نیست.»

۲- مایکل مور به هر کشوری می‌رود، سوالاتی می‌پرسد. معمولاً مصاحبه‌شوندگان از سوال مور و وضعیتی که در آمریکا حکم‌فرماست شگفت‌زده می‌شوند و مایکل مور از جوابی که می‌گیرد و وضعی که در آن کشور وجود دارد، در ایتالیا مور متعجب از مرخصی‌های باحقوقی که کارگران و مستخدمان از آن برخوردارند، سراغ مالکان کارخانه‌ها و کارفرمایان می‌رود. از آنها می‌پرسد: «حقوق دادن در ازای این همه مرخصی که کارگران‌تان دارند برای‌تان نازاحت‌کننده نیست؟» جواب می‌شود: «نه! درستش همین است. همان‌طور که ما از مرخصی و تعطیلات برخورداریم، کارگران هم باید این حق را داشته باشند.» مور به کارخانه‌داران می‌گوید: «اما اگر این مرخصی‌های با حقوق و زمان‌های استراحت را حذف کنید، ثروت‌مندتر می‌شوید.» و آنها جواب می‌دهند: «ولی ثروت همه چیز نیست. ضمن اینکه رفاه کارگران در تعارض با منافع کارفرمایان نخواهد بود.» مور از چیزهایی که می‌بیند و می‌شنود مبهور است و سعی می‌کند این بهترین‌دگی را در مستند به مخاطب منتقل کند؛ نگاه‌هایی که با منطق آمریکایی نمی‌خواند. رتبه اول فنلاند در کیفیت آموزش مدارس، مور را برای ادامه ساخت این مستند به فنلاند می‌کشاند. مور می‌خواهد از راز و رمز انقلاب آموزشی فنلندی‌ها سر در بیاورد. در این حین متوجه می‌شود شهریه گرفتن در مدارس فنلاند ممنوع است و مدارس خصوصی هم در بیشتر نقاط کشور وجود ندارند. در فنلاند هیچ‌کس هیچ وقت نمی‌پرسد «بهترین مدرسه کدام است؟» جواب این سوال همیشه «زدیک‌ترین مدرسه به شما» خواهد بود. مدارس فرقی از نظر امکانات با هم ندارند. به همین خاطر بچه‌های ثروتمند و فقیر، دولتی‌سرد و شهروند عادی به یک مدرسه می‌روند. این مساله باعث می‌شود از سویی بهبود کیفیت مدارس دولتی مطالبه همه اقساثر جامعه باشد و تحت نظارت همه قرار بگیرد و از سوی دیگر جامعه‌ای طبقاتی ساخته نشود. بچه‌های پولدار و فقیر، دوست و همکلاسی می‌شوند، به هستند، به همین خاطر وقتی بزرگ می‌شوند، در خاطرشان هست که هوای طبقه دیگر را داشته باشند. این نکات برای مور غیرقابل باور است.

۳- مایکل مور از کشوری می‌آید که یک درصد جمعیت آن ۹۹ درصد ثروت کشور را در اختیار دارند. کارگران معمولاً مرخصی با حقوق ندارند و اگر هم بتوانند چنین چیزی را با فشار حمایت‌های منصفی و اتحادیه‌های کارگری در قراردادهای بگتجاننده، معمولاً از ۲ هفته در سال فراتر نمی‌رود. ترس از دست دادن شغل همواره بالای سر شاغلان هست و همین مساله باعث شده آنها همیشه چشمی هم به کارت‌ن خواب‌های خیابان داشته باشند. مدرسه‌داری در آمریکا به یک تجارت تبدیل شده و مدارس خوب صرفاً در اختیار ثروتمندان است. مدارس دولتی عموماً ناتوان از آموزش مناسب برای داشتن یک آینده روشن هستند. دانشگاه‌های آمریکایی گران‌ترین تحصیلات عالی تمام جهان را عرضه می‌کنند و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکابه‌بدی‌های سنگین وام‌های دانشجویی‌شان شناخته می‌شوند.

۴- مایکل مور از کشوری می‌آید که یک درصد جمعیت آن ۹۹ درصد ثروت کشور را در اختیار دارند. کارگران معمولاً مرخصی با حقوق ندارند و اگر هم بتوانند چنین چیزی را با فشار حمایت‌های منصفی و اتحادیه‌های کارگری در قراردادهای بگتجاننده، معمولاً از ۲ هفته در سال فراتر نمی‌رود. ترس از دست دادن شغل همواره بالای سر شاغلان هست و همین مساله باعث شده آنها همیشه چشمی هم به کارت‌ن خواب‌های خیابان داشته باشند. مدرسه‌داری در آمریکا به یک تجارت تبدیل شده و مدارس خوب صرفاً در اختیار ثروتمندان است. مدارس دولتی عموماً ناتوان از آموزش مناسب برای داشتن یک آینده روشن هستند. دانشگاه‌های آمریکایی گران‌ترین تحصیلات عالی تمام جهان را عرضه می‌کنند و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکابه‌بدی‌های سنگین وام‌های دانشجویی‌شان شناخته می‌شوند.